

غزل شماره ۲۰۳

سال ما دقرا مادر گرو صهبا بود

رونق میکده از درس و دعای ما بود

نیکی پیرمغان بین که چو ما بدستان

هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود

دقرا دانش ما جمله بشوید به می

که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود

از بان آن طلب ار حسن شناسی ای دل
کاین کسی گفت که در علم نظربینا بود

دل چو پرگار به هر سو دورانی می کرد
واندر آن دایره سرگشته پابر جا بود

مطرب از دردِ محبت علی می پرداخت
که حکیمانِ جهان را مژه خون پالا بود

می شکتم ز طرب زان که چو گل بر لب جوی
بر سرم سایه آن سرو سنی بالا بود

پیرِ لَکَرَنکِ مَن اَندر حَقِّ اَزْرَقِ پوْشان
رِخْصَتِ خُبْثِ نِزاد اَر نِه مَحْاکِیتِ مَآبُود

قَلْبِ اَزوْدَه حَافِظِ بَر او خَرَجِ نَشْد
کَآئِن مُعَاوِلِ بِه هِمّه عِیْبِ نِهَانِ پِیْنا بُوْد

تفسیر فال

به خودت شک داری و این تردیدها همچون سایه‌ای سنگین بر دوشت نشسته است. آنچه را که در دست داری، هرگز تو را ارضاء نمی‌کند و این نارضایتی باعث می‌شود که به دنبال چیزهای بیشتری بگردی. تو ممکن است احساس کنی که دیگران فقط از روی ترحم و یا به خاطر لطفی بی‌دلیل به تو پاسخ می‌دهند، اما باید بدانی که حقیقت فراتر از این تصورات محدود است. خستگی ناشی از سرگردانی و بلا تکلیفی بر جانت فشار می‌آورد و آرزوهایی

بزرگ در دل داری که شایسته تحقق هستند. بنابراین، خواهش می‌کنم، خود را کوچک نشمار و اجازه نده که تردیدها مانع پیشرفتت شوند. خداوند از نیات قلبی تو آگاه است؛ او با علم به خواسته‌هایت، همیشه یاریت کرده و راه‌های جدیدی برای موفقیتت گشوده خواهد کرد. ایمان داشته باش که با تلاش و امیدواری می‌توانی بر مشکلات فائق آیی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)